روزنه

اعتراض توکلی و کوچک‌زاده پاسخ رئیس و نایب‌رئیس مجلس

لاریجانی: با تظاهرات نمی‌توان قرارداد تنظیم کرد

● **شرق:** ماجرای اعتراض مخالفان دولت به قراردادهای نفتی، دیروز دوبار در صحن مجلس مطرح شد. بار اول در زمانی که ریاست جلسه به عهده لاریجانی بود و احمد توکلی دراین‌باره تذکر داد و بار دوم وقتی ریاست جلسه به باهنر واگذار شده بود و مهدی کوچک‌زاده باز هم دراین‌باره تذکر داد. اما رئیس و نایب‌رئیس مجلس هم در نوبت‌های جداگانه از قانونی‌نبودن تجمع مقابل وزارت نفت و همچنین بلااشکال‌بودن قراردادهای منعقده اخیر سخن گفتند. احمد توکلی روز گذشته در تذکر آیین‌نامه‌ای با استناد به بند ۱۱ ماده ۲۴ آیین‌نامه داخلی مجلس، به موضوع تجمع مقابل وزارت نفت اشاره کرد و خطاب به لاریجانی گفت: «انتظار می‌رود شما درباره تجمعات صورت‌گرفته در مقابل وزارت نفت و نحوه برخورد با این افراد تذکری دهید. دانشجویان در اعتراض به قراردادهای جدید نفتی در مقابل وزارت نفت تجمع کردند؛ البته من قبول دارم باید برای این تجمع مجوزی اخذ می‌کردند که متأسفانه این اقدام صورت نگرفت؛ اما اهمیت قرارداد نفتی به حدی بالاست که اگر ده‌ها تظاهرات سراسری برای آن انجام شود باز هم کافی نیست». او با یادآوری دستگیری ۳۸ دانشجو مقابل وزارت نفت تأکید کرد: «البته روز گذشته ۳۴ نفر از این دانشجویان آزاد شدند؛ اما هنوز تکلیف چهار نفر آنها مشخص نیست؛ بنابراین از شما درخواست دارم به‌عنوان نماینده ملت ایران کمک کنید تا این افراد به‌زودی آزاد شوند؛ چراکه اهمیت این قراردادها در اقتصاد مانند برجام در سیاست است». علی لاریجانی هم در پاسخ به تذکر توکلی گفت: «براساس پیگیری‌هایی که من دیشب داشتم، گویا تعدادی از این دانشجویان شب گذشته آزاد شده‌اند اما واقعیت آن است که تجمع باید براساس قانون صورت گیرد و باید این دانشجویان ضوابط قانونی را رعایت می‌کردند». رئیس مجلس تأکید کرد: «فرض کنید شما نظری دارید و نسبت به بندهای این قرارداد معترض هستید؛ بدون‌شک رفع آن راه‌حل‌هایی دارد و با تظاهرات نمی‌توان قرارداد تنظیم کرد. بدون‌شک افراد صاحب‌نظر و حتی برخی از دستگاه‌ها نظرات خود را دراین‌خصوص اعلام کرده‌اند که البته ما نیز به هیأت تطبیق اعلام کرده‌ایم که به این موضوع رسیدگی کند. در کشور نظمی برای رسیدگی به این امور وجود دارد و این مسائل در خیابان حل‌شدنی نیست و افراد اگر نظری دارند می‌توانند نظر خود را به صورت قانونی اعلام کنند».

پاسخ باهنر به کوچک‌زاده: خرید هواپیما نیاز به تصویب مجلس ندارد

همچنین در ادامه جلسه علنی دیروز، مهدی کوچک‌زاده در اخطاری با استناد به اصل ۱۲۵ قانون اساسی و تذکری براساس بند ۱۱ ماده ۲۴ آیین‌نامه داخلی مجلس گفت: «امضای عهدنامه‌ها و مقاوله‌نامه و موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولت‌ها و همچنین امضای پیمان‌های مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی با رئیس‌جمهور یا نماینده قانونی وی است؛ با وجود این قوانین، متأسفانه از زمان مسئله برجام که اجازه ندادند مجلس حتی از پیوست‌های آن مطلع شود و هر کاری که خواسته‌اند انجام داده‌اند، امروز نیز شاهدیم آنچه انتظارش را داشتیم، رخ داد؛ ضمن آنکه در رابطه با مسئله IPC نیز می‌گویند که این موضوع محرمانه است و جوانانی را که جلوی وزارت نفت نسبت به عمل‌نکردن به قانون اعتراض می‌کنند، کتک می‌زنند. آیا اولویت اول مردم ما خرید ۱۰۰ فروند هواپیما از فرانسه است؟ با وجود صراحت قانونی مبنی بر ورود مجلس به قراردادها و تصویب آنها، پس کی و کجا مجلس باید وارد این مسائل و قضایا شود؟ من می‌گویم نکند در برجام یک بند محرمانه و مخفی آمده که هرچه پول‌های بلوکه‌شده ما در کشوری آزاد می‌شود، همان کشور باید بگوید که ما چه بخریم و پول‌های خود را چگونه هزینه کنیم!» کوچک‌زاده افزود: محمدرضا باهنر، نایب‌رئیس مجلس با رد اخطار این نماینده مجلس گفت «اگرچه در شرایط کنونی وضعیت ارزی کشور خوب نیست؛ ولی ما در برخی سال‌ها حدود ۲۰۰ میلیارد دلار خرید و فروش اجناس و کالا داشتیم؛ از طرف دیگر این مسئله مدت‌ها و بارها در شورای نگهبان بحث شده که آیا تمام این قراردادها باید به تصویب مجلس برسد که چنین موضوعی مطرح نیست». باهنر با بیان اینکه من در شرایط کنونی نمی‌خواهم وارد بحث قرارداد خرید هواپیما بشوم، تصریح کرد: «در ناوگان هوایی کشور تعداد زیادی از هواپیماها زمین‌گیر بوده و باید این ناوگان نوسازی شود؛ از طرف دیگر این موضوع باید مورد توجه قرار گیرد که دولت ما خود اقدام به خرید هواپیما نمی‌کند و هواپیمادار نیست و نباید هم باشد؛ ازاین‌رو دولت توسط سازمان هواپیمایی کشوری این ناوگان را مدیریت می‌کند و ایرلاین‌ها و شرکت‌های هواپیمایی هستند که اقدام به خرید هواپیماهای جدید می‌کنند». نایب‌رئیس مجلس افزود: «زمانی که دولت به کشور مربوطه رفته، صدها شرکت و نیروهای بخش خصوصی را نیز با خود برده است و آنها اقدام به خرید هواپیما کرده‌اند. از طرف دیگر شورای نگهبان در تفسیر خود اعلام کرده که قراردادهایی که بین دولت‌ها با عنوان معاهدات و تفاهم‌نامه‌ها منعقد می‌شود، باید به تأیید و تصویب برسد».

مجلس آینده، چالش راست و راست خواهد بود

ادامه از صفحه ۶

برای من مسجل است، در حوزه سیاست در کشور یک گفتاری که عدالت و آزادی را توأمان مطرح کند حضور جدی ندارد. این کاری است که باید انجام شود و اصلاح‌طلبان در معنای خاصش هم باید به این مهم بیندیشند و از شرایط انتخابات هم عمدتا برای این‌کار استفاده کنند.

◄ موضوع سر همین تعریف مفاهیم است؛ اینکه شما می‌گویید مجلس آینده می‌شود دعوای راست و راست. بحث این است که ما اصلا راست یا چپ به معنای واقعی کلمه در ایران داریم یا نه؟

نمی‌دانم منظورتان از مفهوم واقعی چیست. تشکل واقعی را ممکن است بفهمم، اما مفهوم را نه. حرف بنده ساده است. وقتی افرادی داریم که معتقدند تو باید آزادتر زندگی کنی، بتوانی شغل پیدا کنی و درآمدت به تو اجازه زندگی در شأن خودت را بدهد؛ یعنی سوسیالیسم هم داریم. وقتی هم یک‌سری آدم دارید که می‌گویند مسئله اصلی امنیت مالکیت است، مسئله اصلی رقابت واقعی است که آن‌هم فقط به لطف بازاری‌شدن همه‌چیز ممکن است؛ یعنی راست هم دارید. شاید منظورتان این است که اینها به‌صورت گفتمان منسجم شکل نگرفته‌اند یا تشکل‌یابی بر این اساس نبوده است.

◄ منظور من همین است که دقیقا...

آها! گفتمانش را نداریم. به نظرم راست و چپ در این زمینه در وضعیت یکسانی نیستند. راست برای خودش این گفتمان را تا حد زیادی درست کرده و در چارچوب بازسازی کارگزاران دارد این‌کار را هم می‌کند، اما چپی که دغدغه آزادی و عدالت را با هم دارد، به موازاتِ آن در زمینه گفتمان‌سازی و تشکل‌یابی کار زیادی نکرده است.

◄ از قضا الان دیگر گفتمان اصلاح‌طلبانی را که چپ قدیم بودند، تا حدی در بخشی از اصولگراها باز می‌یابیم. گویی این گفتمان تا حدی جابه‌جا شده است.

خیر، جابه‌جا نشده و اصولگرایی در بهترین طیفش - منظورم افرادی مانند آقای لاریجانی و مطهری هستند- اصلا ماجرای دیگری است. اصولگرایی اصولا از اول یک ملغمه بود دارای دو قطبِ کاملا متنافر؛ یکی قطبی که باید نامش را عوام‌گرایی گذاشت و قطب دیگر که می‌توان آن را محافظه‌کاری نامید. یعنی دو جریانی که هیچ ربطی به هم ندارند. آنچه من از آن صحبت می‌کنم از جنس دیگری است. از جنسِ چپی که در ردای اصلاح‌طلبی به‌معنای خاصش بعدَ از ۷۶ ظاهر شد. این جریان امروز حرفی ندارد و از انتخابات هم برای تدوین این گفتمان هیچ استفاده‌ای نمی‌کند، فقط ایستاده بلکه راهش بدهند. حال آنکه شاید در هیچ دوره‌ای ما به این اندازه به یک نیروی سیاسی که از آزادی و عدالت دفاع کند نیاز نداشته‌ایم. شما امروز کار هم داشته باشید، به این معنی نیست که زیر خط فقر نیستید. قبول دارید؟ یعنی میانگین درآمد بسیاری از ما زیر خط فقر است. این تازه آنهایی است که شغل دارند، آنهایی که شغل ندارند چه؟ دست راستی‌ها می‌گویند آقا! شما صبر بکنید، ما کارخانه‌هایمان را راه بیندازیم، انباشت سرمایه بکنیم، بعد برای شما شغل ایجاد می‌کنیم. خب، این یک مطلب است و برای عده‌ای عقلانی و دفاع‌کردنی. مطلب دیگر هم این است که الان آمار غیر رسمی، آمار واقعی بیکاری در ایران ۳۰درصد است. همه متخصصان می‌گویند تا دو سال دیگر در بهترین شرایط باز بر این تعداد اضافه می‌شود؛ یعنی ماجرا عاجل است.

◄ تفکری که شما از آن دفاع می‌کنید در این وضعیت چیست؟

بنده یک نفر بیشتر نیستم. البته نظرم را خدمتتان الان می‌گویم؛ اما مسئله اصلی این است که تشکل‌های سیاسی این مسائل را در اولویت بحث قرار دهند و تلاش کنند از آنها برنامه سیاسی بسازند. به نظر بنده یکی از مباحث جدی بر سرِ سیاست‌های اجتماعی است. تنها سیاست اجتماعی‌ایَ که امروز دارد جدی انجام می‌شود، همان یارانه است و در این دولت هم بیمه سلامت به آن اضافه شده است.

◄ البته یارانه را خیلی نمی‌توانیم سیاست اجتماعی بنامیم.

چرا نمی‌توانیم؟ یارانه یک نوع سیاست اجتماعی است و اتفاقا خیلی هم در دنیا باب است. انواع خوب دارد و انواع بد. یارانه فله‌ای شاید در شرایطی بد باشد؛ ولی حتی همین فله‌ای هم مثلا در شرایطی که کشورها در جنگ هستند می‌تواند خوب باشد. بیمه سلامت هم فله‌ای است؛ اما در وضعیت هولناکی که ما از منظر پوشش درمانی در آن به‌سر می‌بردیم، خیلی خوب بود.

◄ الان سؤال من از شما این است، شما به این بحث نقد دارید. من می‌گویم پیشنهاد شما برای رفع این مشکل و رفع این خلأ چیست؟

برای این خلأ باید نیروهای سیاسی‌ای که اصلاح‌طلب‌ها به معنای خاص آن بودند و خاستگاهشان منظر چپ بود، بیایند، بنشینند و برای این، برنامه بریزند، گفتمان درست کنند و برنامه بدهند.

◄ برداشت من از صحبت‌های شما این است که اصلاح‌طلب‌ها باید به آن گفتمانی که اول انقلاب داعیه‌اش را داشتند برگردند. به آن گفتمان...

نه. اول در انقلاب شرایط دیگری بود. من می‌گوییم اینها خاستگاه چپ دارند و باید این خاستگاه را جدی بگیرند، هم برای خودشان خوب است و هم برای مملکت، البته باید برای به‌روزکردن آن کوشش کنیم.

◄ شما قبول ندارید خاستگاه گفتمانی اصلاح‌طلب‌ها تغییر پیدا کرده؟

جامعه هم تغییر پیدا کرده است. ما که نمی‌گوییم الان بیاییم راجع‌به مصادره اموال صحبت کنیم.

◄ من می‌گویم تغییرشان تغییر گفتمانی است. یعنی دیگر نمی‌توانیم بگوییم الان هم خاستگاه جریان اصلاح‌طلب، گفتمان چپ است.

حالا نباشد. به نظر بنده خوب است که باشد؛ البته بنده نشانه‌هایی می‌بینم که نشان می‌دهد هنوز این دغدغه کاملا در اصلاح‌طلب‌ها دیده می‌شود. مثال مشخص بزنم. همین روزنامه وزین شما، ضمیمه‌هایی منتشر کرده - که الان مدتی است منتشر نمی‌شود-که یکی از آنها راجع به فقر بود. ضمیمه‌هایی خیلی خوب و خواندنی بود و هست. من دیدم آقای علوی‌تبار مقاله‌ای نوشته بود با این مضمون که نباید آرمان عدالت را کنار گذاشت. عین همین حرف را در یک سمینار ناظر بر مسائل رفاه اجتماعی، آقای جلایی‌پور زدند و گفتند مشکلاتی که باعث این آسیب‌های اجتماعی می‌شود، این است که ما آرمان‌خواهی‌مان را کنار گذاشته‌ایم. درست می‌گویند. هر دو راست می‌گویند. اتفاقی که افتاده، ازبین‌رفتن و تبدیل‌شدن آرمان‌خواهی به یک چیز پلید است. مثل مردم‌گرایی که از آن فقط برداشت مردم‌فریبی می‌شود. اسم فرنگی‌اش را هم می‌گویند که مثلا شیک باشد. چرا نباید چیزی را گفت که مردم می‌خواهند؟ چرا چپ از این می‌ترسد؟ اصلا با همین موضع‌گیری‌ها مردم را بسازیم. ما بگوییم این‌بار دهک‌ها را به‌طور مشخص درمی‌آوریم، به دهک‌های ۱ تا ۴ کمک آموزشی برای کودک، کمک ایجاد شغل، کمک مسکن، مسکن استیجاری می‌دهیم، مسکن استیجاری ارزان که حق ندارید آن را بفروشید. چرا از انگ مردم‌گرایی می‌هراسیم؟ چرا آرمان نداشته باشیم؟ چرا آرمان‌خواهی بد شده است؟ وقتی می‌گویم باید ۷۶ را بازاندیشی و به‌روز کرد، منظورم همین است. عمیقا هم معتقدم کاری است الزامی و شدنی.

◄ ولی این دیگر دیدگاه عام نیست. ببینید! ممکن است آقای علوی‌تبار یا آقای جلایی‌پور، آن هم تازه به پشتوانه دیدگاه و طرز فکری که دارند، بله، بیایند و راجع به این حرف بزنند که ما باید به آرمان‌خواهی برگردیم و همان چیزی که...

یعنی فکر می‌کنید خانم آذر منصوری این فکر را ندارد؟ فکر می‌کنید که شکوری‌راد این تفکر را ندارد؟ و ده‌ها و صدها نفر دیگری که در سطوح مختلف این جریان فعال هستند. بنده حتی فکر می‌کنم که اگر تا ۱۰ سال پیش عده‌ای هم در درون این جریان این فکرها را نداشتند با این وخامت اوضاع، آنها هم به این سمت گرایش پیدا کرده‌اند. مطمئن هستم خیلی‌ها از خود سؤال می‌کنند که آرمان ما این بود؟

◄ مثلا جریان کارگزاران...

من می‌گویم اصلاح‌طلبان به معنای خاص نه به معنای عام، کارگزاران یک حزب راست است، اما بنده اینجا حرف دیگری دارم. راجع‌به اصلاح‌طلبان خاص صحبت می‌کنم؛ یعنی اصلاح‌طلبان، گروهی که در سال ۷۶ با آقای خاتمی در صف اول سیاست کشور آمدند و در انتخابات بعدی، نیروی غالب سیاسی ایران بودند. من دارم راجع به آنها صحبت می‌کنم که بخشی از تبلورش را در حزب اتحاد ملت ایران اسلامی می‌بینید. الان وقت ساختن است. درست فاصله بین پایان جنگ و سال ۷۶ است. الان وقتش است که اصلاح‌طلبان این کار را بکنند. حرف من این است.

◄ در همین بحثی که اشاره کردید، دقیقا سؤال ما هم همین بود. بعد از دوره جنگ و دوره بازسازی که در زمان آقای هاشمی اتفاق می‌افتد، یک عده این دوره را مشابه‌سازی می‌کنند با شرایطی که الان در آن قرار داریم. چه می‌توان کرد که قشر آسیب‌پذیر خودش را در این بازسازی اقتصادی دخیل و سهیم بداند؟

باید روی سیاست‌های اجتماعی کار کرد. باید سیاست‌های اجتماعی در حوزه رفاه، خدمات، تأمین و... را جدی گرفت و برای آن برنامه داد. مسکن استیجاری شوخی نیست. شما الان یک جوان تحصیل‌کرده فعال هستید، چهارسال دیگر می‌خواهید ازدواج کنید. چه چشم‌اندازی در مقابل شما باز است..

◄ آقای دکتر! اصلا در دولت رانتیر نفتی...

ببینید دولت رانتی خوب یا بد الحمدلله تمام شد. ما دیگر از شر این یکی در بحث سیاسی راحت شدیم.

◄ ما هنوز هم که هنوز است به نفت وابسته‌ایم. شما چطور می‌توانید در چنین دولتی بیایید راجع به بحث رفاه اجتماعی و...

علی‌الاصول که در این حوزه، دولت‌های رانتی نفتی (اصلا اگر این معنای خاصی داشته باشد که من با آن موافق نیستم)، اتفاقا می‌توانند سیاست‌های رفاهی راحت‌تری را پیش ببرند. اما منظور من از سیاست اجتماعی فقط سیاست‌های رفاه نیست. سیاست اجتماعی این هم هست که الان شما خانم‌ها، فکر کنم ۱۰-۱۲ سال است، تعداد ورودی‌تان به دانشگاه اگر از مردها بیشتر نباشد، کمتر نیست اما در بازار کار ۱۳درصد بیشتر نیستید. سیاست اجتماعی یعنی مقابله با این وضعیت.

◄ خب اصلا آن برنامه چه می‌تواند باشد؟ ببینید الان...

حالا دیگر (با خنده) قرار نیست که در یک مصاحبه همه مسائل را حل کنیم.

◄ ما بخواهیم و نخواهیم در دولتی که اقتصادش اقتصاد نفتی است داریم زندگی می‌کنیم...

نه. اقتصادش نفتی نیست. ۲۵درصد بودجه‌اش بیشتر نفتی نیست.

◄ مثلا در مورد مالیات؛ ما چقدر فرار مالیاتی داریم؟ چقدر توانستیم درآمدهای مالیاتی را محقق کنیم؟ آیا غیر از این است که یکی از چیزهایی که می‌شود به آن اتکا کرد، همین درآمدهای مالیاتی است که بتوانیم از طریق آنها بازتوزیع ثروت داشته باشیم؟

اتفاقا، مالیات حوزه همپوشان بین چپ و راست است. هم چپی‌ها با آن موافقند، هم راستی‌ها. اما یک نیروی سومی هست که به دلایل سیاسی خودش این هر دو گروه را کنار گذاشته است. یکی، دوتا مثال می‌زنم. مالیات بر تملک آپارتمان، در ایران خنده‌دار است، یعنی درواقع گریه‌دار است. شما آپارتمان ۲۰۰متری در الهیه داشته باشید، فکر کنم سالی ۳۰-۴۰هزارتومان مالیات می‌دهید. در اروپا مالیات بر مسکن، تقریبا برابر با یک‌ماه اجاره است. خب، مالیات بر خودرو، عوارض خودرو؛ فرقی نمی‌کند که پراید داشته باشید یا بی‌ام‌دبلیو، تقریبا همان‌قدر است. اینها حوزه‌های کار است دیگر. مگر اینها حوزه‌های کار نیست! چرا شهرداری تهران می‌تواند هم بر راست و هم بر چپ غلبه کند؟ برای اینکه ترجیح می‌دهد با دو، سه‌هزار ساختمان‌ساز ببندد پولش را از آنها دربیاورد و به آنها حساب پس بدهد تا از مردم پول بگیرد و به صدهاهزارنفر پاسخ‌گو باشد. نتیجه‌اش هم وضعیتی است به شکل‌وشمایل تهران.

◄ برای اینکه دولت چون هزینه‌اش را از مردم نمی‌گیرد، بنابراین خود را هم در مقام پاسخ‌گویی نمی‌بیند. بله؛ در کشورهای اروپایی، کشورهایی که سوسیال-دموکراتند، مالیات می‌دهند، حق دارند سؤال کنند، دولت هم موظف به پاسخ‌گویی است. دولتی که از پول مردم تأمین نمی‌شود، چطوری می‌خواهد بازسازی داشته باشد؟

چطور از پول مردم تأمین نمی‌شود؟ معلوم است که از پول مردم تأمین می‌شود. منتها از مالکیت عمومی مردم تأمین می‌شود. فضا و هوای شما را دارد می‌فروشد. فضا و هوای من را دارد می‌فروشد. معلوم است که پول مردم است. میدان ولیعصر را مغازه کرده است. میدان ولیعصر مگر مال کیست؟ مگر مال شما نیست؟ مگر مال من نیست؟ تمام آن باغ‌ها را فروخته، مگر آن باغ و هوا مال من و شما نیست؟ پول به معنای کاغذی‌اش نیست، اما مِلک مردم که هست. اگر پول نفت داشت که کوه نمی‌فروخت. کوه مال او نیست، کوه مال همه است. شهردار تهران و پیرو او همه شهردارهای کلان‌شهرها از زمان آقای کرباسچی و بعدش، دارند به نحو فاجعه‌آمیزی مال مردم را می‌فروشند که به سبک‌وسیاق خودشان شهر را بگردانند، به‌جای اینکه بیاید یک وضعیت مالیاتی درست‌وحسابی بگذارند، اینها را نفروشند. هوا مگر مال شما نیست؟

◄ در مورد تهران می‌توانیم راجع به آن حرف بزنیم ولی در مورد سایر... .

درمورد اصفهان چطور؟ ندیدید که شهرداری اصفهان به مناسبت دهه فجر ۳۵درصد تخفیف فروش تراکم می‌دهد؟ عکسش را در روزنامه فرهیختگان دیدیم. مگر هوای شهر اصفهان جنس مغازه شهرداری است که چوب حراج هم به آن می‌زند؟

◄ چون اینها شهرهای صنعتی هستند.

بحث ابدا بر سر صنعت و غیرصنعت نیست. ۸۰ درصد جمعیت ما دارند در شهر زندگی می‌کنند. این افراد صاحب این شهرند. مالکیت عمومی نسبت به این شهر دارند. وقتی این را به برج‌ساز می‌فروشد، دارد از مالکیت من و شما می‌گیرد. سیاست اجتماعی اصلاح‌طلبان در مورد شهر چیست؟ بخوانید، خواهید دید که متأسفانه شده‌اند سردمدارِ تقویتِ قدرت شهردار در مقابل مجلس شهر.

◄ نمی‌خواهم وارد بحث شوم آقای ثقفی! زمان هم نداریم.

بله، ولی من می‌خواهم. از قضا بحث من همین‌هاست. از جَدل بر سر چپ و راست به معنای واقعی و دولت رانتی، سیاست اجتماعی نتیجه نمی‌شود. از همین حرف‌ها در مورد مالکیت عمومی است که می‌توان سیاست اجتماعی استخراج کرد. وقتی یک دست‌فروش به جرم اینکه پیاده‌رو را گرفته، یا سدمعبر کرده، بی‌کار می‌شود، چه برنامه‌ای برایش دارید؟ برای این‌همه شاغل به مشاغل غیررسمی چه چاره‌ای می‌خواهیم بیندیشیم؟ اینها برنامه است دیگر.

◄ برای اینکه بحث را ببندیم؛ انتخابات مجلس پیش‌رو است. فکر می‌کنید این جریان اصلاح‌طلب خاصی که راجع به آن حرف زدیم، برای این انتخابات می‌توانند چه برنامه‌ای داشته باشند که بتوانند آن سوژه‌هایی که درباره‌اش صحبت کردیم را گرد این برنامه جمع کنند.

به نظر من، در شرایطی که خیلی برنامه‌ریزی نکردیم، باید حداقل در سطح گفتاردرمانی وارد شویم. بگوییم که ما اگر بیاییم به مسئله فقر می‌رسیم، ما اگر بیاییم به مسئله مشاغل زنان می‌رسیم، ما اگر بیاییم به مسائل مالکیت عمومی شهر می‌رسیم، ما اگر بیاییم به این دست‌فروش‌ها می‌رسیم، ما اگر بیاییم به سیاست‌های اجتماعی خواهیم رسید، فقط به این یارانه‌ها اکتفا نخواهیم کرد. بگذاریم راست‌ها به معضلات مالکیت خصوصی بیندیشند که باز هم می‌گویم واقعی و مهمند و اولویت گفتاری‌شان را بر سر آن بگذارند و ما به مالکیت عمومی و بلایی که دارد بر سر آن می‌آید بیندیشیم و دست‌کم فعلا به آن اولویت گفتاری بدهیم، بعد هم حداقل در سطح همان آقای اولاند که به شما گفتم، پایش بایستیم و برایش برنامه عملی بدهیم.

نکته

در آن دوره روزنامه‌های سلام و جهان اسلام سیاست‌ورزی می‌کردند و بحث‌های فکری‌تر در مجله کیان و بیان انجام می‌شد. این مجموعه دوم خیلی بیشتر به امر سیاسی پرداخت، یعنی در جست‌وجوی حقیقت سیاست بود

منهای پایتخت

بازرسان انتخابات نباید عضو ستاد کاندیداها باشند

● **ایسنا؛ کرمانشاه:** مجتبی نیک‌کردار، رئیس هیأت بازرسی انتخابات استان کرمانشاه، گفت: اعضای هیأت بازرسی انتخابات هرگز نباید عضو ستادهای انتخاباتی کاندیداها باشند. او در جلسه توجیهی اعضای هیأت بازرسی انتخابات شهرستان‌های استان که در محل سالن تدبیر استانداری برگزار شد گفت: در انتخاب افراد عضو هیأت بازرسی انتخابات شهرستان‌ها بسیار تلاش کرده‌ایم افرادی باشند که بتوانند وظیفه خطیر بازرسی را به‌درستی انجام دهند. او گفت: انتظار ما از بازرسان انتخابات این است که بی‌طرفی کامل را رعایت کنند و در نحوه اجرای صحیح انتخابات دقت ویژه داشته باشند. اعضای هیأت بازرسی انتخابات هرگز نباید عضو ستادهای انتخاباتی کاندیداها و نباید با هیچ ستادی ارتباط آشکار و پنهان داشته باشند. او تأکید کرد: همچنین بازرسان انتخابات نباید فامیل درجه‌یک کاندیداهای مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری باشند. او با تأکید بر اینکه بازرسان به‌هیچ‌وجه حق ورود به کار هیأت‌های نظارت را ندارند، افزود: وظیفه بازرسان فقط دیدن و گزارش‌کردن تخلفات است. همچنین هیأت‌های بازرسی انتخابات شهرستان‌ها می‌توانند چنانچه نیاز باشد، کمیته‌ها و کارگروه‌هایی را مرتبط با انجام وظایف خود تعریف کنند.

اصلاح‌طلبان قم با تمام وجود در صحنه
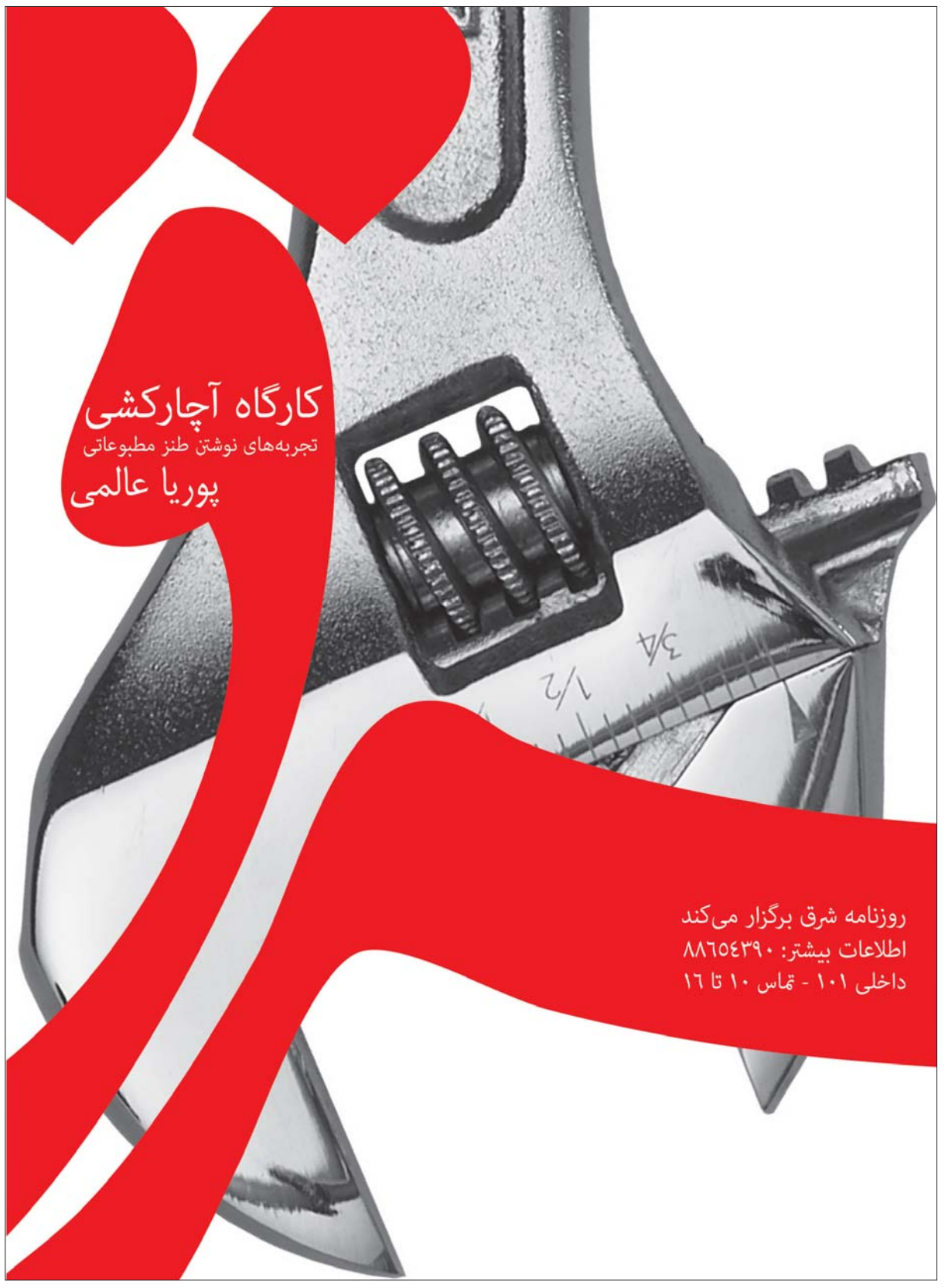
● **ایرنا؛ قم:** رئیس کمیته انتخابات اصلاح‌طلبان قم گفت: ما با تمام وجود در صحنه حاضر خواهیم شد و کاندیدای موردحمایت خود را ۱۶ بهمن ماه معرفی می‌کنیم. ابوالفضل کاویانی شایعه تأیید صلاحیت محمدرضا صحفی و محمدحسین آهنین‌پنجه، دو کاندیدای انتخابات مجلس شورای اسلامی از قم را رد کرد. او افزود: چنین چیزی از سوی شورای نگهبان و هیأت‌های نظارت اعلام نشده است. رئیس کمیته انتخابات اصلاح‌طلبان قم اظهار کرد: ادعای تأیید صلاحیت کاندیدای اصلاح‌طلب در قم، کذب محض است و از این شایعات در چند روز اخیر زیاد در کشور پخش شد. شایعاتی مبنی بر تأیید صلاحیت دو کاندیدای اصلاح‌طلب قمی چندروزی است که در شبکه‌های اجتماعی پخش شده است.